

بازخوانی تقریظ‌های رهبر شهید انقلاب به مناسبت نمایشگاه کتاب تهران

رهبر کتابخوان، کتاب‌شناس و کتاب‌نویس

کزارش
جواد محرمی

کتابخوان حرفه‌ای بود و بزرگ‌ترین حامی کتابخوانی در ایران. خودش می‌گفت خانواده ما شب‌ها با خواندن

کتاب به خواب می‌روند. کتابخانه جزه‌لا ینفک فضای کاری و داخل خانه او را تشکیل می‌داد. توصیه به کتابخوانی برای او مانند خیلی از مسئولان تنها یک ژست نبود؛ بلکه آنچه را درباره اهمیت کتاب می‌گفت، خود پیش از آن به آن اقدام و عمل کرده بود. از او دهها جلد کتاب به یادگار مانده است؛ آثاری که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شوند. خیلی از رمان‌های مشهور ایران و جهان را خوانده بود. مشتری اصلی و تقریباً دائم نمایشگاه کتاب تهران بود و ساعت‌ها برای این موضوع وقت می‌گذاشت و همین بازدیدها قوت قلب بزرگی برای ناشران و فعالان عرصه کتاب بود. اوج اشرف بر تألیفات و سواد کتابخوانی او را می‌شد در همین بازدیدهای هرساله از نمایشگاه کتاب به چشم دید. شور و شوق و نشاط درونی را می‌شد در چهره او هنگام بازدید از غرفه‌ها و گپ‌وگفت با ناشران به وضوح مشاهده کرد. او کتابخوان‌ترین رهبر جهان بود. مشوق بسیاری از نویسندگان و ناشران بود و تقریظ‌های او پای کتاب‌های مختلف، رونق‌بخش محافل رونمایی از کتاب بود. مقاومت، ایثار، جهاد و شهادت کلیدواژه‌های مکتبی است که رهبر شهید انقلاب اسلامی همواره بر آن پای می‌فشرد و همین فرهنگ پایه اقتدار امروز ایران است و برای همین اغلب تقریظ‌های او شامل آثاری بود که به وضوح بوی ایثار و شهادت می‌داد و حرکت به سوی افق‌های پیشرفت در این آثار قابل مشاهده است. آثاری که اغلب حول یک یا چند قهرمان نوشته شدند و هر قدر سینما و آثار نمایشی در پرداخت دقیق به این فرهنگ دچار عقب‌ماندگی بود، عرصه تألیف کتاب به برکت همین حمایت‌ها و تقریظ‌ها حق مطلب را ادا کرد. مصادف با برگزاری هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران و در حالی که کمتر از سه ماه از شهادت قهرمانانه و فقدان این مرد بزرگ می‌گذرد، نگاهی به تقریظ‌هایی از وی بر چند کتاب مختلف داریم که در حال و هوای جهاد و ایثار و شهادت به رشته تحریر درآمده‌اند.

مربع‌های قرمز

■ **خاطرات حاج حسین یکتا، از دوران کودکی تا پایان دفاع مقدس، به قلم زینب عرفانیان**

«بسمه‌تعالی

بسیار شیرین و جذاب نوشته شده است. ردپای چانه‌گر می‌های آقای حاج حسین یکتا در آن آشکار است. ظرافت‌های برخاسته از ذوق و قریحه لطیف که در سراسر کتاب گسترده است، می‌تواند از نویسنده خوش‌قلم و چیرهدست نشان‌دهنده و می‌تواند آثار درآفشانی‌های راوی باشد. نقطه بر جسته کتاب، یاد شهیدان و یاد حال و حضور ملکوتی آنان پیش از شهادت است که حقا بسیار خوب تصویر شده است. ارادت راوی به مرحوم آقای حاج میرزا علی احمدی میانجی هم برای من جالب بود. آن مرحوم را حدود ۶۰سال به علم و تقوا و ورع می‌شناختم و به من لطف داشت. این کتاب ظاهراً چند روز پیش رونمایی شده است. برای من چندی پیش از این فرستاده بود و تماماً مطالعه شد. ۱۳۹۷/۴/۲۶

آب هرگز نمی‌میرد

■ **روایت زندگی میرزا محمد سلگی به قلم حمید حسام**
«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم»
سلام بر یاران حسین (ع) و سلام بر لشکر انصارالحسین همدان و سلام بر شهیدان. دلاوران، فداییان، شیران روز و عابدان شب



نمای نزدیک

close ups

خوبی از رمان‌های مشهور ایران و جهان را خوانده بود. مشتری اصلی و تقریباً دائم نمایشگاه کتاب تهران بود و ساعت‌ها برای این موضوع وقت می‌گذاشت و همین باز دیدها قوت قلب بزرگی برای ناشران و فعالان عرصه کتاب بود. اوج اشرف بر تألیفات و سواد کتابخوانی او را می‌شد

در همین بازدیدهای هرساله از نمایشگاه کتاب به چشم دید. شور و شوق و نشاط درونی را می‌شد در چهره او هنگام بازدید از غرفه‌ها و گپ‌وگفت با ناشران به وضوح مشاهده کرد. او کتابخوان‌ترین رهبر جهان بود

و سلام بر شهید زنده میرزا محمد سلگی و بر همسر باایمان و صبور او؛ و سلام بر حمید حسام که دردانه‌هایی چون سلگی و خوش‌لفظ را به ما شناساند. ساعت‌های خوش و باصفایی را با این کتاب گذراندم و بارها با دریغ و حسرت گفتم: درنگی کرده بودم کاش در بزم جنون من هم / لبی‌تر کرده زان صهبای جام پرفسون من هم هزاران کام در راه است و دل مشتاق و من حیران / که ره چون می‌توانم یافتن سوی درون من هم... در میان کتاب‌های خاطرات جنگ، این یکی از بهترین‌هاست. نگارش درست و قوی، ذوق سرشار، سلیقه و حوصله، همت بلند، همه با هم دست به کار تولید این اثر شدند. کتاب خانم ضرابی در شرح حال شهید عالی‌مقام علی چیت‌ساز بیان‌ناشاره به کتاب «گلستان یازدهم» نیز دارای همین برجستگی‌هاست. این دو نفر از ستارگان اقبال همدانند.»

مجموعه «مقتل» به قلم محمد بکایی

«جزوه‌ای بسه نام مقتل دیدم که آن لحظه‌های حساس و تعیین‌کننده را شکفته بود؛ نقطه‌ای که اصالمفاهیم اسلامی در آنجا خودش را نشان می‌دهد. در لشکرکشی، به عنوان کلان‌کار، چیزی از مفاهیم اسلامی دیده نمی‌شود. همه دنیا لشکرکشی می‌کنند. همه دنیا می‌جنگند. همه دنیا یک روز می‌برند و یک روز می‌بازند. همه گریز دارند. همه حمله و فداکاری دارند. اما آن جایی که

ذلیل نفسه علی‌الحسینی غفرالله له و رحمة و حشر مع اولیائه و الحقه بهذه الزمره الطیبه. امین. این کتاب در ۱۳ رجب ۱۴۱۱ با چشمی لبریز اشک شوق و حسرت زیارت شد.»

هم‌پای صاعقه

■ **به قلم حسین یهزاد و گلعلی بابایی در ۱۴افصل**

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

این یک کتاب منبع بسیار غنی و ارزشمند است که از آن می‌توان دهها کتاب و فیلمنامه و زندگینامه استخراج کرد. لحظات و حالات ثبت شده در سراسر این کتاب، همان ظرافت‌های حیرت‌انگیزی است که از مجموعه آن، تابلوی پرشکوه و با عظمت عملیاتی چون فتح‌المبین و بیت‌المقدس پدید آمده و برترین‌های هنر جهاد و ایثار و شجاعت و ابتکار را در مجموعه نمایشگاه بی‌نظیر هنرهای انقلاب اسلامی نشان می‌دهد. این مردان بزرگی که نام آنها به راحتی بر زبان و دل غافل‌ما می‌گذرد، از جنس همان اخوان صفا و فرسان الهیجا، هستند که سید شهیدان (س) آنها را با عظمت و سوز و مهر، مخاطب ساخت و از فقدان آنان غمگین بود. سلام خدا و بندگان برگزیده و فرشتگان و رسولان او نثار روح مطهر آنان باد. در روز و شب‌هایی از آبان و آذر ۸۶ صفحه به صفحه و سطر به سطر مطالعه و نیوشیده شد.»

نورالدین پسر ایران

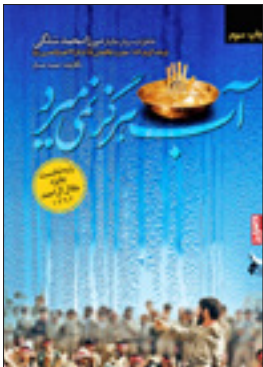
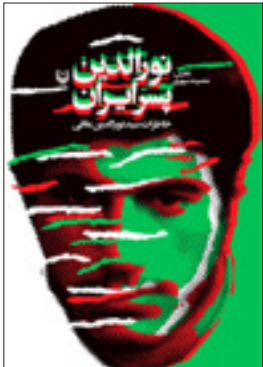
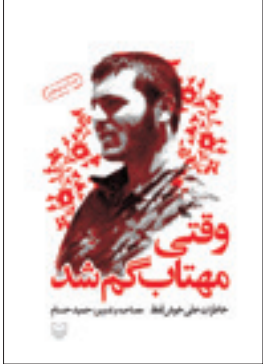
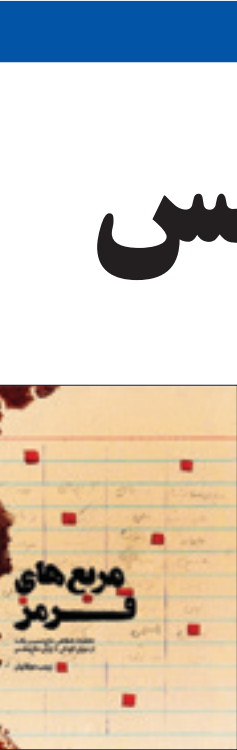
■ **روایت نورالدین عافی به قلم معصومه سپهری**

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، این نیز یکی از زیباترین نقاشی‌های صفحه پُر کار و اعجاز‌گونه هشت سال دفاع مقدس است. هم راوی و هم نویسنده حقا در هنرمندی سنگ تمام گذاشته‌اند. آمیختگی این خاطرات به طنز و شیرین‌زبانی که از قریحه ذاتی راوی برخاسته و با هنرمندی و ناز‌کنندیشی نویسنده به خوبی و پختگی در متن جا گرفته است و نیز صراحت و جرئت راوی در بیان گوشه‌هایی که عادتاً در بیان خاطره‌ها نگفته می‌ماند، از ویژگی‌های برجسته این کتاب است. تنها نقشی که به نظر رسید، نیرداختن به نقش فداکارانه همسری است که تلخی‌ها و دشواری‌های زندگی با رزمندهای یک‌دنده و مجروح و شلوغ را به جان خریده و داوطلبانه همراهی دشسوار و البته پُراجر با او را پذیرفته است. ساعات خوش و با صفایی را در مقاطع بیش از خواب با این کتاب گذراندم. و الحمدلله ۱۳۹۰/۱۰/۱۲»

فرمانده من

■ **شرح خاطرات علی خوش‌لطف به قلم بهناز ضرابی‌زاده**
«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بچه‌های همدان؛ بچه‌های صفا و عشق و اخلاص؛ مردان بزرگ و بی‌ادعا؛ یاران حسین (ع)؛ یاران دین خدا... و انگاه مادران؛ مردافریزان شجاع و صبور... و انگاه فضای معنویت و معرفت؛ دل‌های روشن، همت‌ها و عزم‌های راسخ؛ بصیرت‌ها و دیدهای ماورائی... این‌ها و بسی جوایر‌های شیرین و خوشگوار دیگر از سرچشمه این روایت صادقانه و نگارش استادانه، کام دل مشتاق را غرق لذت می‌کند و آتش شوق را در آن سرکش‌تر می‌سازد. راوی، خود یک شهید زنده است. تن به شدت از زنده‌اندوتوانسته‌از سرزندگی و بیداری دل‌او بکاهد و الحمدلله ربّ‌العالمین نویسنده نیز خود از خیل همین دلدادگان و تجربه‌دیدگان است. بر او و بر همه آنان گوارا باد فیض رضای الهی؛ این‌شالله. درباره نگارش این کتاب، آنچه نوشتم که است؛ لطف این نگارش بیش از این‌هاست. مقدمه کتاب یک غزل به تمام معنی است. ۱۳۹۵/۱۰/۱۸»



مهاجر سرزمین آفتاب

■ **خاطرات زندگی کونیکو بامامورا، بانوی ژاپنی مسلمان، به قلم حمید حسام و مسعود امیرخانی**

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، سرگذشت پرامرجا و پرجاذبه این بانوی دلاور که با قلم رسا و شیوای حمید حسام نگارش یافته است، جدا خواندنی و آموختنی است. من این بانوی گرامی و همسر بزرگوار او را سال‌ها پیش در خانه‌شان زیارت کردم. خاطره آن دیدار در ذهن من ماندگار است. آن روز جلالت قدر این زن و شوهر باایمان و باصداقت و باگذشت را مثل امروز که این کتاب را خواندم، نمی‌شناختم؛ تنها گوهر درخشان شهید عزیزشان بود که مرا مجذوب می‌کرد. رحمت و برکت الهی شامل حال رفتگان و ماندگان این خانواده باد.

اردیبهشت ۱۴۰۱. ساخت فیلم بر اساس زندگی خانم بابایی حرکت مهم و مؤثری در جهت معرفی و آبروبخشیدن به خانواده اسلامی و مرد مسلمان است و نباید از آن غفلت شود.»

روایتی عاشقانه در دل جنایات تکفیری‌های سوریه

کوچه‌های شهر با ما درگیر شده بود. در سوریه می‌جنگیدیم تا با حفظ عقبه و لایه‌های پدافندی، با دشمن در داخل شهرها و کوچه‌ها جنگیم.

اما هنوز هم ممکن است برای برخی مخاطبان ایرانی جای سؤال باشد که علت ورود ایران به این غائله چیست؟ فرمانده مسلحین در بخشی از کتاب، اهداف بلندمدت خود را در مواجهه با جوامع مسلمان اینگونه بیان می‌کند: «یاد‌تان باشد فوعه و کفر یا بعد از کوچک و جزئی برای تشکیل دولت جهانی اسلامی است. بعد از این دو شهر، نوبت نابودی علویان لاذقیه و طرطوس و شیبعان نبل و الزهراسات. بعد شیبعان جنوب لبنان و دست آخر، دشمن اصلی بزرگ و قدرتمند ما ایران است. به خواست خدای بزرگ و متعال اسلامی را در سوریه برقرار می‌سازیم و با اتحاد ارتش‌های ممالک اسلامی همچون سوریه، عربستان، افغانستان، پاکستان، عراق، قطر، اردن، امارات، کویت و حتی ترکیه از همه طرف به شیبعان و آتش‌پرستان ایرانی هجوم می‌بریم و ریشه‌هایشان را از سفره روزگار برمی‌کنیم.»

این سطور عمق راهبردی و علل شکل‌گیری مقاومت را به خوبی نشان می‌دهد. بنابراین علت حضور ایران و نیروهایش در سوریه و شکل‌گیری هدف‌های حرم با رهبری سردار بزرگی چون حاج‌قاسم سلیمانی، مبارزه با همین تفکر مخرب است.

نثر این رمان ساده، سلیس و دلنشین است. فقط دو نکته ویرایشی یافته شده که رفع آن مزید بر محسنات است: یکی در صفحه ۷۶، پاراگراف چهارم، ترکیب «سه به راه» که «سربه‌راه» درست است

و دیگری در صفحه ۸۷، پاراگراف آخر، «کلمه صلوات» درست است نه «کلمه صلوات».

«دختران قبیله جنگ» از سوی انتشارات خط مقدم برای نخستین بار در سال ۱۴۰۲ در هزار نسخه در قم منتشر شد و هم‌اکنون چاپ دوم در دسترس است.

«فلسانه شهر سنگی»، «بادهای سرکش هندوکش»، «رقصی چنین در میانه آتش» و «ملاقات در جنگل بلوط» از دیگر آثار اقهیمی است.

سوسن است، اما حورا و ماجراهای پیرامونش گوی سبقت را از سوسن می‌ریابد و سپس خط روایت به سمت ماجرای گروگان‌گیری مسافران اتوبوس سوق می‌یابد.

■ **سر نوشت نگاری جامعه سوری معاصر**

نویسنده در رمان «دختران قبیله جنگ» سر نوشت بخشی از جامعه سوری را در یک مقطع محدود زمانی تا تکیه بر مستندات سفرها، واقع‌گرایی، تجربیات و تخیل به تصویر می‌کشد و تجربه زیسته تلخ این مردم را در از دست‌دادن امنیت ملی، اجتماعی و اقتصادی به دلیل دل‌سپردن به وعده‌های پوچ و توهمی و دخالت‌های بیگانگان به عینه نشان می‌دهد.

افهیمی به کشف و شناخت و شهودندبای‌خارج از دسترس مخاطب و شناساندن واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی، شخصیت‌ها و کاراکترهای جدید ایجادشده در کشوری که مجاورت معنوی با جامعه ایرانی دارد، کمک می‌کند.

رمان در هر بخش یک نقطه عطف دارد، اما اوج این عطف‌ها در بخش ششم و به اسارت گرفته شدن مسافران اتوبوس در مسیر بازگشت به فوعه به منصفه‌ظهور و بروز می‌رسد و ادامه ماجراهای رمان به حوادث و درگیری‌های پیرامون آزادسازی مسافران این اتوبوس و اقدام متقابل فوعه‌ای‌ها بازمی‌گردد. در این میان، ماجرای دلدادگی و نامزدی رؤف بنشی با حورای فوعه‌ای، فضای خشن رمان را تلطیف می‌کند.

■ **ادبیات و تفهیم مباحث راهبردی**

یکی از مباحث راهبردی مطرح در ادبیات مقاومت و رمان‌هایی که به مقاومت سوریه و درگیری مقاومت با داعش و تکفیری‌ها می‌پردازد، تبیین و تفهیم کارکردهای حضور نظامی و مستشاری ایران در سوریه در سال‌های اخیر است.

در برابر تعریف این عمق استراتژیک برای جمهوری اسلامی در سوریه، برخی طیف‌های ناآگاه و مبتذل سیاسی، لیبرال‌ها، سلب‌ریتی‌ها و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی این حضور را تخطئه کردند. اما در جنگ ۱۲ روزه رمضان، اهمیت و جایگاه این عقبه راهبردی و پدافندی برای بخش‌های مختلف و مردم و دلسوزان آشکار گردید. اما دیگر دیر شده بود و دشمن در

است و نیز رؤف که عاشق حوراست، به دلیل تفکرات و تعلیمات افراطی داعش از عشقش دست می‌کشد و دومی جانش را بر سر بازار این عشق می‌نهد، اما خانواده‌هایشان چون برخلاف سنت‌های گذشته و پیوستگی‌های فرهنگی است، با این ازدواج مخالفت می‌کنند.

نویسنده در این رمان نشان می‌دهد؛ چگونه تفکر مخرب داعش (که ساخته‌وپرداخته غرب و امریکاست) پیوندها و علقه‌های جامعه سوری را همه گسسته و انشقاق اجتماعی و تنفر مذهبی را به ارماندگی و تقوا و شجاعت مقاومت جامعه شیعی سوریه با جامعه شیعی لبنان و حزب‌الله می‌پردازد و نقش این ارتباطات را در بسستر مقابله با تهاجم داعش، مسلحین معارض و تکفیری در زوایای رمان می‌نمایاند.

■ **ضربه کاری اول رمان**

یکی از ویژگی‌های این رمان، کنش موجود و ضربه اول نویسنده در همان بخش نخستین و آغازین است که با قتل بیرحمانه رحمان (نوجوان، فرزند سوسن و همسر عدنان، عضو ارتش سوریه) در حالی که تلاش می‌کند از سیطره مسلحین عبور کند و به ترکیه پناهنده شود، آغاز می‌شود.

حمزه (فرمانده مسلحین) پس از دستگیری فرزند نوجوان سوسن (معشوقه سابق خود) او را بی‌رحمانه به قتل می‌رساند، چراکه او فرزند سرانگ عدنان (عضو و از فرماندهان ارتش سوریه) است.

فصل اول رمان ضربه کاری و جنگ اصلی را بر روح و روان مخاطب می‌اندازد تا کتاب را بر زمین نگذارد، اما سوسن که به نظر می‌رسید شخصیت اصلی رمان باشد، رها می‌شود. در بخش دوم هم با بازگشت خط روایت به گذشته، شاهد روایت عاشق شدن حمزه (فرمانده مسلحین بنش و طلبه تکفیری‌شده) و در بخش چهارم به شاهد دل‌کنند همیشگی حمزه از سوسن پس از پیوستن او به داعش در افغانستان هستیم و از سوسن تا بخش ۱۱ رمان دیگر خبری نیست، تا اینکه در حالی که به شخصیتی منزوی، مجنون و تکیده تبدیل شده، به فضای روایت بازمی‌گردد؛ درحالی‌که منفعل، بی‌روح و روان‌بریش است.

خواننده در بخش اول تصور می‌کرد شخصیت مجروری و اصلی

گذرونظری بر رمان «دختران قبیله جنگ»

ک ادبیات مقاومت
علی شهبین

رمان «دختران قبیله جنگ» از آثار برگزیده بخش رمان و داستان چهارمین جشنواره دوسالانه کتاب

ادبیات مقاومت (بزرگداشت سردار شهید حاج حسین همدانی) است. این اثر که به مقام دوم بخش داستان و رمان این جشنواره دست یافت، اثر جواد افهیمی، نویسنده حوزه ادبیات یاداری است. «دختران قبیله جنگ» به سر نوشت و ماجراهای پیرامون یک گروگان‌گیری از زنان شیعه فوعه به دست جوانان مسلح اهل سنت بنش در سوریه می‌پردازد و در میان این حوادث، ماجراهای عاشقانه حورا (دختر شیعی فوعه) با رؤف (پسر سسنی بنش) و سوسن و حمزه بر ابعاد عاطفی و دراماتیک رمان می‌افزاید.

■ ■ ■

این رمان در ۲۲بخش، زوایا و گوشه‌هایی از تنازعات و سختی‌ها و تنگناهای مردم سوریه را در پی جنایات داعش واقدامات مسلحین روایت می‌کند.

نویسنده با توصیف صحنه‌ها و جزئی‌نگری و توصیفات مستند، توانسته خواننده را در سفر خود به قلب سوریه همراه کند و با صحنه‌هایی از ددمشنسی تکفیری‌ها و مشکلات مردم، همدلی و ایهام مصائب‌المنی را در این کشور به تصویر بکشد.

با اینکه ماجراهای اصلی رمان درباره ره به اسارت گرفتن اتوبوسی حامل تعدادی از زنان و دختران معلم و فرهنگی فوعه است که در مدرسه‌های متعلق به اهل سنت شهر بنش (شهر مجاور) به تدریس و تعلیم می‌پردازند و به پیش از بروز و ظهور داعش و جریان‌های تکفیری یعنی سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ بازمی‌گردد، اما این اتفاقات و این ایام در واقع مقدمه‌ای بر شکل‌گیری تطفه نامشروع داعش است و در دیالوگ‌های مسلحین، رگه‌هایی از القانات و تفکرات داعش در تعلیمات و آموزش‌های مدارس دینی و طلاب بازگشته از کشورهای دیگر (که مراکز دینی و تعلیمی این جریان‌ات تکفیری هستند) به‌وفور دیده می‌شود.

همچنین نویسنده در لایه‌های رمان و در گفت‌وگوها، ابعاد آموزه‌های رایج داعش را که منشا تفرق دینی و تخاصم مذهبی



و از هم‌گسیختگی اجتماعی اقوام سوری است، نشان می‌دهد. این اتفاقات در سوریه زمانی رخ می‌دهد که ابوبکر بغدادی پرچم خلافت خودخوانده داعش را در عراق و شام برافراشت و در پی آن، مسلحین سوری از فرایند عادی زندگی در بنش و ارتباطات و تعاملات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با مردم و جامعه شیعی نشین فوعه و کفریا منقطع شدند و به دنیای ساختگی و تخیلی معنویت توهمی داعش پیوستند. این پیوستگی موجب درگیری و شورش و قتل و غارت در سوریه شد.

حمزه (سنی، فرمانده مسلحین) که عاشق سوسن (دختر شیعی)